

تهران را دوباره بخوان



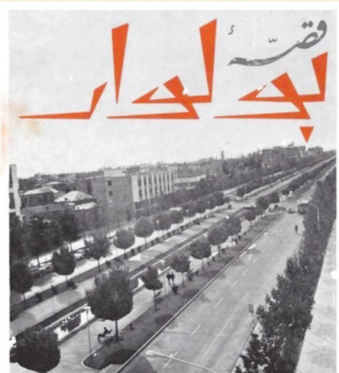
سوسن سیرجانی
خبرنگار گروه فرهنگ

عید نوروز که از راه می‌رسد، ساکنان تهران به دو بخش تقسیم می‌شوند. آنهایی که مسافرت را به ماندن ترجیح می‌دهند و آن دسته که می‌مانند، چندسالی است آن عده که در تهران می‌مانند، از خلوتی و آرامش شهر استفاده می‌کنند و به خیابان‌ها و کوچه‌پس‌کوچه‌ها سر می‌زنند. حتی شبکه‌های مجازی و گروه‌های تبلیغاتی نامی هم برای این کار گذاشته‌اند؛ «تهران‌گردی». اما تهران که امروز بی آن هستیم، مجموعه‌ای از اماکن و ساختمان‌های قدیمی است و اگر بخواهیم مدرن‌تر به شهر نگاه کنیم، مراکز خرید جدید و پارک‌هایی که حالا اقبال به آنها بیشتر از سال‌های قبل شده است. اما تهران واقعی، کف خیابان‌هاست. خیابان‌هایی که متر به متر شتر راوی قصه‌هایی از دل این سال‌هاست. در نوروز وقتی فرصتی پیش آمد که در خنکی و خلوتی بلوار کشاورزی بی‌فقدم بزنم، به تاریخچه آن فکر کردم. به خیابانی که درواقع یک نهر بوده و بعد تبدیل به خیابان شده. قدیمی‌ترها خاطرات زیادی از این خیابان داشتند و معمولاً آن را بلوار خطاب می‌کنند تا خیابان. همان روزها بود که در پرسه‌های اینترنتی، به مستندی رسیدم به‌اسم «قصه بلوار». مستندی که تاریخچه این خیابان قشنگ در نوروز خلوت و روزهای معمولی شلوغ و پرازدحام در سال را روایت می‌کرد.

«قصه بلوار» مستندی است که داود اشرفی آن را سال ۱۳۹۶ به پایان رسانده و حدود پنج سال برای ساخت آن زمان صرف کرده. شاید مهم‌ترین ویژگی این مستند این است که بلوار کشاورز، شخصیت اصلی قصه است و مانند برخی مستندهایی که راوی تاریخچه خیابان و مکانی هستند، روایت را به اشخاص و مسائل دیگر مرتبط نکرده. اما در عین حال نقش این خیابان در برهه‌های مختلف تاریخی ایران را به تصویر کشیده است. از دستور حاجی میرزا آقاسی، صدراعظم محمدشاه برای احداث نهر کرج که پایه اصلی شکل‌گیری مسیر این بلوار است تا سان دیدن محمدرضا پهلوی از نیروهای متفقین در سال ۱۳۲۰ و پس از آن، ساخت بلوار و نام‌گذاری آن در سال ۱۳۳۹ و شکل‌گیری اعتراضات و تجمعات مختلف در طول زمان در این مسیر.

مستند تنها به اسناد هم بسنده نکرده و سراغ خاطرات، قصه‌ها و حتی سکانس‌هایی از فیلم‌ها که در این مسیر اتفاق افتاده هم رفته است. مثلاً در جایی از فیلم، بخشی از زمان مشهور «چشم‌هایش» بزرگ علوی را بازخوانی می‌کند که دکتر ماکان و عشق‌اش در این مسیر و در کنار نهر کرج قدم می‌زنند. یا بخش‌هایی از فیلم «صمد و غول چراغ جادو» را می‌بینیم که با آن شمایل عجیب غول و لباس‌های روستایی صمد، در پیاده‌راه میان بلوار دنبال هم در حال دویدن هستند. همچنین شکل جدیدی از مدرنیته که به‌واسطه ساخت برج‌های مسکونی سامان، پارکی مدرن، سینما و ساختمان‌هایی با شمایل غربی را در بخشی از تهران که در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ شمال تهران محسوب می‌شده، دستمایه بخشی از روایت فیلم است.

فیلمساز، روایت از بلوار کشاورز که در گذشته به آن بلوار الیزابتی می‌گفتند را در سال ۱۳۸۸ متوقف می‌کنند. اما در بخش پایانی مدام در نریشن تکرار می‌شود که بلوار در حسرت ماجراهای تازه است. بلواری که روزی محل اعتراضات منتهی به انقلاب بود. ۲۰ سال بعد از آن، جایی برای تجمع دانشجویان در خردادماه ۱۳۷۶. حالا در سال ۱۴۰۴ وقتی فیلم به پایان می‌رسد، ادامه آنچه بر این خیابان گذشته را در ذهن تصور می‌کنم. خیابانی که در نوروز خنک و دل‌انگیز است، اما در ختان برپار و اسفالت‌هایش گواه آن چیزی است که در این سال‌ها در آن دیدیم و از آن شنیدیم.



کارنامه

سفر در ذهن و متن

کتاب‌شناسی حورا یآوری که سعی در کشف رازهای ادبیات در آینه روانکاوی دارد

حورا یآوری، منتقد ادبی، مترجم و پژوهشگری است که با آثاری که تمرکز بر ادبیات و روانکاوی دارند، شناخته می‌شود. او در اراک به دنیا آمده و تحصیلات خود را در رشته‌های زبان و ادبیات انگلیسی، سپس روان‌شناسی در دانشگاه تهران آغاز کرد. او سپس در آمریکا تحصیلات خود را ادامه داد و تمرکزش را بر نقد ادبی، به‌ویژه ادبیات داستانی مدرن فارسی گذاشت. کتاب‌شناسی حورا یآوری شامل چندین اثر مهم است که هر کدام درباره رابطه ادبیات و روانکاوی است. یآوری در هر اثر سعی کرده که میان جهان روان‌شناسی، تاریخ و ادبیات فارسی حرکت کند و همین هم او را به یکی از چهره‌های شاخص نقد ادبی معاصر ایران تبدیل کرده است. یکی از کتاب‌های مهم حورا یآوری «زندگی در آینه» نام دارد که نشر نیلوفر در سال ۱۳۸۴ منتشر کرده است. کتابی که می‌توان از آن به خودشناسی به‌مثابه پروژه‌ای جمعی یاد کرد. کتاب مجموعه‌هایی از مقالات تحلیلی است و نویسنده در آن آثاری را بررسی کرده که نویسندگان‌شان با جسارت، زندگی شخصی‌شان را به متن و کلمه تبدیل کرده‌اند. یآوری در این اثر نشان می‌دهد چگونه نویسندگانی مانند جلال آل‌احمد در «سنگی بر گوری»، شهرنوش پارس‌پور در «طوبا» و «معنای شب»، و فروغ فرخزاد در شعرهایش، با کنکاش در تجربیات فردی، به بازخوانی بحران‌های تاریخی - فرهنگی جامعه ایرانی پرداخته‌اند. تحلیل او از «جزیره سرگردانی» سیمین دانشور به‌عنوان نمادی از زن ایرانی در میانه سنت و مدرنیته، یا بررسی «سفوفی مردگان» عباس معروفی به‌مثابه نوعی تراژدی خانواده ایرانی، از نقاط قوت این کتاب است. یآوری در این اثر با تکیه بر نظریه‌های علمی نشان داده که چگونه راوین آثار ادبی فارسی با اعتراف به ضعف‌ها و تناقض‌های خود، هویت جمعی را بازسازی می‌کنند.

کتاب دیگر یآوری «روانکاوی و ادبیات: دو متن، دو انسان، دو جهان» (بهرام گور تا راوی بوف کور) است که انتشارات سخن در سال ۱۳۷۳ چاپ کرد و در اختیار علاقه‌مندان به حوزه نقد ادبی عرضه کرد. این کتاب در حقیقت نوعی گفت‌وگوی میان‌متنی از دو جهان و دو عصر متفاوت است. یآوری در روانکاوی و ادبیات با روحیه‌ای جسورانه، دو اثر به‌ظاهر نامرتبط را مقابل هم قرار می‌دهد؛ هفت‌بیکر نظامی و بوف کور هدایت. او با تحلیل ساختار روایی این دو اثر - یکی حماسه‌ای عرفانی از قرن ششم و دیگری رمانی مدرنیستی از قرن بیستم - به‌دنبال الگوهای تکرار‌شونده روان‌شناختی در ادبیات فارسی می‌رود. موضوع این کتاب و رویکرد تطبیقی تاریخی دو اثر مهم ادبیات فارسی، گذشته از اینکه تسلط یآوری بر ادبیات کلاسیک و مدرن را نشان می‌دهد، در روش‌شناسی نیز جریان‌ساز شد.

«داستان فارسی و سرگذشت مدرنیته در ایران» نیز از حورا یآوری در سال ۱۳۸۸ به‌همت انتشارات سخن منتشر شد. موضوع این کتاب همان‌طور که از نام آن مشخص است، بررسی تحول داستان‌نویسی فارسی در مسیر مدرن شدن و تأثیرات فرهنگی است که به‌تدریج و آرام‌آرام در آثار نویسندگان فارسی رخ داده و آنها را به‌سمت مدرن‌نویسی سوق داده است. یآوری در این کتاب با ذکر و تحلیل آثار شاخص ادبیات فارسی استدلال می‌کند که کارکرد داستان‌های ایرانی رفته‌رفته از صورت و شکل خیالی فاصله گرفته و به‌سان سفری دلپذیر پای به جهان واقعیت گذاشته است. یآوری در این کتاب داستان‌نویسی مدرن را بخشی از فرایند بزرگ‌تر دانست که در آن انسان سنتی ایرانی با چالش‌های جهان مدرن مواجه می‌شود؛ فرآیندی که نه‌تنها شامل تغییرات سیاسی و اقتصادی است، بلکه به‌دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی نیز توجه دارد. نویسنده در این کتاب سعی در کشف و صورت‌بندی الگویی این سیر تحول دارد.

«غرض‌نقش‌بست»، با زیر‌عنوان گفتارهایی در نقد ادبی (۳) نیز آخرین اثر حورا یآوری است که سال گذشته نشر نیلوفر به بازار عرضه کرده است. این اثر، گزیده‌ای است از نوشته‌های پژوهشی پیشین نویسنده که طی چند سال گذشته درباره سیر تحول و دگرگونی شعر و داستان معاصر فارسی در ۱۵۰ سال‌خیر در نشریات داخلی و خارج از ایران منتشر شده‌اند.

حورا یآوری جز آثار تألیفی، کتابی به‌نام «غرب و شوروی در ایران: سی سال رقابت»، نوشته زرژ لنجافسکی را ترجمه کرده که در سال ۱۳۵۱ منتشر شد. این کتاب اثری مهم در تاریخ سیاسی ایران محسوب می‌شود که موضوع آن بررسی رقابت قدرت‌های بزرگ در ایران از سال ۱۹۱۸ تا ۱۹۴۸ است. نویسنده که خود در سفارت لهستان در تهران بوده، در کتاب غرب و شوروی در ایران به‌صورت تاریخی، رقابت این دو قدرت را به‌صورت مستند ثبت کرده است. او در این کتاب، به‌طور خاص به روابط ایران با آلمان در دوره پهلوی می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه ایران در این دوره به‌عنوان یک کشور مهم، محل جولان و رقابت قدرت‌های جهانی قرار گرفته بود. علاوه بر این‌ها یآوری مقاله‌های متعددی نیز در نشریات داخلی و خارجی در حوزه تخصصی‌اش منتشر کرده است. درمجموع او در آثار خود با پیوند تحلیل‌های ساختاری به کنکاش‌های روان‌شناختی، الگویی از خوانش متن ارائه می‌دهد و به غنای درک ما از ادبیات فارسی و جایگاه و کارکرد آن کمک شایانی می‌کند. شاید مهم‌ترین درس او به جامعه ادبی این باشد: منتها زنده‌اند؛ کافی است به‌جای تحمیل نظریه بر آنها، اجازه دهیم خودشان حرف بزنند.



«در یکی از مقاله‌های کتاب «غرض‌نقش‌بست»، درباره خشونت و ادبیات بحث کرده‌اید؛ اینکه بازتاب انواع خشونت در ادبیات در هر دوره متأثر از چه عوامل و زمینه‌های درونی یا نامالیمت‌ها و خشونت‌های بیرونی است، در تاریخ ادبیات قابل ردیابی و بازخوانی است. در آثار ادبی فارسی بازتاب خشونت طی دوره‌های مختلف چگونه بوده است؟

تعمق در مفاهیمی مثل خشونت، به‌خصوص خشونت‌های ادبی و کلامی یکی از شاخص‌ها و معیارهایی است که در راه بررسی تحولات و دگرگونی‌های ادبی و فرهنگی به کار می‌آید. این موضوع در رشته‌های مرتبط با تاریخ ادبیات و فرهنگ و بازشناسی دوره‌های مختلف بسیار مورد توجه است. در بسیاری از فرهنگ‌ها دامنه این خشونت از رابطه میان انسان و انسان فراتر می‌رود و به رابطه میان انسان و پدیده‌های طبیعی گسترش پیدا می‌کند. این به‌ویژه در خمریه‌هایی که شاعرانی مثل رودکی و منوچهری با استادی تمام درباره شراب سروده‌اند و راه درازی که دانه‌های غوره برای شراب‌شدن پشت سر می‌گذارند، با وضوح بیشتری به چشم می‌خورد و ریشه‌های درهم‌تنیده خشونت را در فرهنگ ما آفتابی می‌کند.

کنار هم گذاردن و سنجیدن لایه‌های معنایی این مفاهیم در ادبیات کلاسیک، با آن چه در شعر و ادب معاصر می‌بینیم یکی از بهترین معیارهایی است که می‌توان در بررسی تحولات تاریخی شعر فارسی به کار گرفت. به سخن دیگر، آن چه شاعری مثل نادرپور را - به‌عنوان یک نمونه - از شاعرانی مثل رودکی و منوچهری متمایز می‌کند، این نیست که نادرپور وزن و قافیه را کنار گذاشته و شعر نو می‌سراید. تفاوت آن‌ها، یک تفاوت معرفت‌شناختی است؛ تفاوت در نگاه آنها به جهان، به انسان، به پدیده‌های طبیعی و به مفاهیم انعکاس‌یافته در شعر آن‌هاست. این یعنی همه آن چیزهایی که جهان شعری شاعران را دگرگون می‌کند. به‌نمونه‌های این تفاوت معرفت‌شناختی به تفصیل در مقاله اشاره شده است.

«در بخش گفت‌وگوهای کتاب، مصاحبه شما با ماهنامه «اندیشه پویا» با موضوع یادداشت‌های شاهرخ مسکوب، درباره صادق هدایت آمده است؛ یادداشت‌هایی که در آن‌ها، به گفته شما، مسکوب خودش را در آینه زندگی و آثار و پرسش‌های ذهنی هدایت می‌دیده است. این موضوع حتی امروز هم برای پیگیران و علاقه‌مندان به شخصیت‌های ادبی و آثارشان جذاب است. از دیدگاه شما تشابهاتی میان مسکوب و هدایت و راه، اسلوب و روش‌شان وجود دارد؟

یادداشت‌های مسکوب از جهات و زوایای مختلف اهمیت دارند و معتقدم، باید دوباره و چندباره مورد بررسی قرار بگیرد. تعمق در آن چه مسکوب درباره هدایت نوشته است، همدلی او را با هدایت و آن چه بر او و هم‌روزگاران او می‌گذشته آشکار می‌کند. مسکوب هم مثل هدایت، که سال‌هایی از عمرش در افسون دوره باستانی تاریخ ایران فرورفته بود - شاید نزدیک ۱۰ سال از عمرش را در آرزوی دستیابی به جهان آرزویی کمونیسم زندگی می‌کرده و درست مثل هدایت با حسرت از آن سال‌های از دست‌رفته یاد می‌کند. یادداشت‌های مسکوب درباره هدایت، هم اهمیت هدایت را در فرهنگ و ادبیات ایران نشان می‌دهد و هم آشنایی مسکوب را با شیوه‌های نوین نقد آشکار می‌کند. نوشته‌های مسکوب - چه درباره هدایت و چه در زمینه‌های دیگر - او را از بسیاری از ناقدانی که بدون تحقیق و تأمل لباس قضاوت و داوری بر تن می‌کنند، متمایز می‌کند و به ارزش او - چه در مقام نویسنده و چه به‌عنوان ناقد - می‌افزاید.

«کتاب «غرض‌نقش‌بست»، در بسیاری از بخش‌ها با اینکه با رویکردهای مختلف به موضوعات مختلف می‌پردازد، از وجه شیوه‌نگارش به‌خصوص نثر، به دنیای داستان نزدیک می‌شود، به‌ویژه استفاده از صناعات ادبی در نوشتن آن به چشم می‌آید. هدف‌تان از انتخاب این ویژگی کتاب که خواندن آن را دلپذیر و خاص می‌کند، چیست؟

فکر می‌کنم ارزیابی و داوری درباره آن چه در کتاب «غرض‌نقش‌بست» آمده، کار من نیست. اساساً نویسنده چنین جایگاهی ندارد. کیفیت اثر، شیوه نگارش، محتوا و درون‌مایه به‌ویژه آن چه شما به استفاده از صناعات ادبی اشاره کردید، در شمار نقش‌هایی است که خوانندگان عهد‌مدار آن هستند. کار نویسنده، نوشتن است البته هر نویسنده‌ای به شیوه خاصی که عوامل متعددی در شکل‌گیری آن مؤثرند، می‌نویسد و باز هم البته امیدوار است که در نوشته‌هایش چه از نظر سیاق نوشتن، و چه از نظر مراحل تحقیقی و شیوه‌های بررسی، احترام وقتی که خواننده با نوشته می‌گذراند، محفوظ مانده باشد. من نیز امیدوارم خوانندگان با کتاب «غرض‌نقش‌بست»، ارتباط بگیرند و ارزش وقتی را که برای خواندن آن می‌گذارند، داشته باشد.

«در حال حاضر آیا پژوهش یا کتاب و اثر دیگری هم در حوزه ادبیات، تاریخ، نقد ادبی یا ترجمه در دست انتشار دارید؟

امیدوارم بتوانم کار پژوهش‌هایی که هنوز نیمه‌تمام است را به جایی برسانم و به نوشته‌های پراکنده گذشته، سروسامانی بدهم. از لطف شما و وقت و همتی که صرف این گفت‌وگو کرده‌اید، سپاسگزارم.

شباهت‌اش با گل نارسیم می‌پردازد. آن‌طور که شما در مقاله‌تان نوشته‌اید، نرگس ایرانی، به‌رغم هیریشگی لغوی یا نارسیم یونانی، در شعر کلاسیک فارسی راه دیگری رفته و لایه‌های معنایی متفاوتی پذیرفته است. درباره نارسیم و روایت‌های مختلف و گاه متضاد سرنوشت او، نویسندگان و هنرمندان و شاعران و فیلسوفان، بسیار نوشته‌اند و آن را به نمادهای زیادی از حالات و روحیات انسانی نسبت داده‌اند، اما نرگس در ادبیات و فرهنگ ایران بار معنایی و کاربردهای تمثیلی و استعاری متفاوتی دارد. به نظر‌تان چنین تفاوت‌هایی به بافت فرهنگی ایران و خصلت ذاتی زبان و ادبیات فارسی مرتبط است یا متأثر از نظام معنایی خاص شاعران و نویسندگان به پدیده‌ها، نوع نگاه و پرداخت آن است؟

شاعران و نویسندگان ایران نیز مثل همه شاعران و نویسندگان جهان، در بافت فرهنگی و جغرافیایی سرزمینی که در آن زندگی می‌کنند نفس می‌کشند، از آن تأثیر می‌گیرند و بر آن تأثیر می‌گذارند. این نکته درباره سفر مفاهیم و صورت‌های خیال از فرهنگی به فرهنگی دیگر نیز صادق است.

سفر پرماجرایی این واژه‌ها و مفاهیم در بررسی‌های مرتبط به ادبیات تطبیقی تمام‌موردتوجه قرار می‌گیرد. این رشته حوزه مطالعاتی، نقش و اهمیت فرهنگ و زبان کشور میزبان را در لباس تازه‌ای که این مسافران ازگرد‌آور‌رسیده به تن می‌کنند نشان می‌دهد. به‌عبارتی‌دیگر این مفاهیم و واژه‌ها بی‌آنکه ریشه‌های خود را از یاد ببرند یا ویژگی‌های فرهنگ و زبان سرزمین میزبان کنار می‌آیند، راه خود را به صحنه آفرینش‌های ادبی بازمی‌کنند، بر غنای فرهنگ میزبان می‌افزایند و فرهنگ‌های جدا از هم جهان را به هم نزدیک‌تر می‌کنند. نکته‌ای که باتوجه به پیشینه تاریخی سرزمین‌هایی مثل ایران و یونان، درباره بسیاری از این مفاهیم و صورت‌های خیال از جهات بسیار و از همه مهم‌تر تفاوت‌ها و شباهت‌های زمینه‌های فرهنگی، قابل تأمل و بررسی است.

نارسیم در شمار شناخته‌شده‌ترین و دیرینه‌ترین مفاهیم و واژه‌هایی است که از یونان به ایران سفر کرده و در زبان فارسی به‌عنوان نماد چشم و صفات و ویژگی‌های آن‌جا افتاده است؛ اما نارسیم اگرچه در این سفر دراز تاریخی از نظر معنای لغوی به ریشه‌های یونانی خود وفادار مانده، اما بر خلاف آن چه در اسطوره‌های یونان به‌ناش‌پیوند خورده، یعنی چشم فرو بستن از همه جهان و فرو رفتن در افسون تصویر خودش در آینه، بار اسطوره‌ای نارسیم یونانی را در شعر فارسی کنار گذاشته و همان‌طور که به‌نمونه‌های فراوان آن در کتاب اشاره شده، بر خلاف همتای یونانی‌اش، با خودش و تصویر خودش کاری ندارد و فقط به دیگران نگاه می‌کند.

این دگرگونگی معنایی و کاربردی در مورد بسیاری از واژه‌ها و مفاهیمی که از فرهنگی به فرهنگ دیگر سفر کرده‌اند، صادق است و در قرن‌های اخیر که روزگار آمیختگی فرهنگ‌هاست، ابعاد بسیار گسترده‌ای یافته و به بسیاری از مفاهیم علمی و تحقیقی مدرن در سفر به فرهنگ‌های دیگر لایه‌های معنایی کم‌وبیش متفاوتی داده است.

«موضوعی از مقاله‌ها، شرح اولین سفیر ایران به فرانسه و بحث در باره تغییر گرانیکاه مطالعات شرق‌شناسی و دگرگونی تصویر ایران در ذهنیت فرانسویان است. همین‌جا به موتسکیو، کتاب «نامه‌های ایرانی» او و ماجرای تحولات سیاسی داخلی فرانسه می‌رسیم. ادبیات و قدرت آن چقدر در تغییر و اصلاح تحویل آرمانی (و گاه ناکافی) یک ملت به فرهنگ، آداب و رسوم یک ملت دیگر اثرگذار است؟

اگر از منظر پرسش شما به‌نامه‌های ایرانی موتسکیو نگاه کنیم به نقش و مفهوم استعاره که از مهم‌ترین صنایع بدیعی است، نزدیک می‌شویم. در فرهنگ‌هایی که گفت‌وگو درباره آن چه بر روزگار و بر مردمان‌شان می‌گذرد آسان نیست، استعاره بار انتقال این مفاهیم را به دوش می‌کشد. ازقضا فرانسه دوران لویی چهاردهم از شناخته‌شده‌ترین نمونه‌های همین فرهنگ‌هاست. موتسکیو در بهره‌گیری از همین تکنیک روایی است که کتاب‌نامه‌های ایرانی‌اش را نوشت. به سخن دیگر، سفر پرماجرایی محمدرضا بیگ، نخستین سفیر ایران به فرانسه، بهانه بسیار خوبی برای موتسکیو بود و راهی پیش پای او گذاشت تا همه آن چیزهایی که در دلش می‌گذشت را به برگ‌های کاغذ بسپارد. در کتاب به نمونه‌هایی از این تکنیک روایی اشاره شده است. اگرچه در نگاه نخست کتاب‌نامه‌های ایرانی کتابی است که شرق عقب‌مانده را در برابر غرب پیشرفته به نمایش می‌گذارد و از این طریق بارانی از نگویش را بر سر شرق و شرقیان می‌باراند، اما پیام اصلی کتاب این نیست. همان‌طور که بررسی‌های اخیر نشان می‌دهد در پس ساختار ظاهری کتاب‌نامه‌های ایرانی، انتقاد اساسی به فرانسه و شیوه فرمانروایی لویی چهاردهم جاری است. موتسکیو در این کتاب فرجام دیکتاتوری را در برابر مردم فرانسه به نمایش می‌گذارد؛ نمایشی که همان‌طور که در مقاله به آن اشاره شده، در نارضایتی‌هایی نیز که به انقلاب کبیر فرانسه انجامید نقشی محوری ایفا کرد.